

گسترش و تنوع گونه‌های سفال دوران اسلامی در سکونت‌های دشت نرماشیر کرمان

سعید امیرحاجلو*

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه جیرفت
s.hajloo@ujiroft.ac.ir

سارا سقایی

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه جیرفت

شناسه‌ی دیجیتالی (DOI): 10.22084/nbsh.2019.17433.1823
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۲۹
(از ص ۲۰۷ تا ۲۲۶)

چکیده

نرماشیر در صدر اسلام، یکی از پنج ولایت کرمان بود. اما توجه باستان‌شناسان به بیم و جیرفت سبب غفلت از نرماشیر شده و شناخت کافی از سفال اسلامی نرماشیر وجود ندارد. عدم شناخت سفال نرماشیر از یک سو، و نقش سفال در گاهنگاری و شناخت تغییرات فرهنگی از دیگر سو، نشانگر ضرورت این پژوهش است. پرسش‌ها این‌ست که گونه‌های سفال اسلامی در نرماشیر چیست و به چه ادواری تعلق دارند؟ فراز و فرود حیات در نرماشیر و روابط فرامنطقه‌ای آن براساس داده‌های سفالی چگونه بوده است؟ ویژگی‌های تولید و سبک محلی سفال در نرماشیر چیست؟ اهداف پژوهش عبارتند از: مطالعه‌ی سفال اسلامی نرماشیر و شواهد تولید، گونه‌شناسی و گاهنگاری مقایسه‌ای و نسبی سفال‌ها و تبیین روند تداوم حیات در نرماشیر. روش گردآوری داده‌ها، میدانی-اسنادی، و روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است. برپایه‌ی نتایج، سفال اسلامی نرماشیر شامل گونه‌های: ساده‌ی بی‌لعب، نقش‌کنده، افزوده، قالب‌زده، مهری، شبه پیش‌اتاریخی، لعابدار تک‌رنگ، نقش‌کنده یا افزوده زیرلعاب، گلابه‌ای، لعاب‌پاشیده، اسگرافیتو، نقاشی زیرلعاب، نقاشی روی لعاب، زرین‌فام و آبی‌وسفید است. این گونه‌ها، ارتباطات فرهنگی با: جیرفت، غبیرا، سیرجان، میناب، کیش، سیراف، نیشابور، اسفراین، ری، اصفهان، قصرابونصر، مرودشت، سی‌سخت، بویراحمد، شوش، رأس‌الخیمه امارات، مُسندَم عمان، حضرموت یمن، قلعه بحرین، بصره، سامرا، رقه و لشکری بازار را نشان می‌دهند. برخی نمونه‌های سفال نرماشیر وارداتی و تعدادی تولید محلی، اما تقلیدی هستند. نمونه‌های قالب‌زده‌ی بی‌لعب، تولید محلی و دارای نقوش کاملاً محلی هستند. همچنین، حیات شهر نرماشیر از دوره‌ی ساسانی آغاز شده، و در دوره‌ی سلاجقه‌ی کرمان و قراختاییان به اوج می‌رسد و تا دوره‌ی تیموری تداوم داشته است؛ اما جمعیت آن در دوره‌ی صفوی کاهش می‌یابد و پس از صفویان متروک شده و تعدادی روستا در دشت باقی می‌ماند.

کلیدواژگان: شهر قدیم نرماشیر، باستان‌شناسی دشت نرماشیر، طبقه‌بندی سفال، سفالگری دوران اسلامی.

مقدمه

نرماشیر در صدر اسلام، یکی از پنج ولایت کرمان و محل عبور راه‌های بازرگانی جنوب شرق و حجاج سیستان بود. چنین موقعیت راهبردی، به شکل‌گیری و گسترش سکونتگاه‌های دشت نرماشیر در سده‌های نخست و میانی اسلامی منجر شده و شهر نرماشیر را به یکی از کانون‌های برهم‌کنش اقتصادی و اجتماعی جنوب شرق ایران تبدیل کرده بود.

اگرچه حجم شواهد باستان‌شناسی دوران اسلامی در دشت نرماشیر قابل توجه است، به دلیل تمرکز اغلب پژوهش‌های باستان‌شناسی جنوب و شرق استان کرمان بر بم و جیرفت، شناخت کافی از گونه‌های سفال دوران اسلامی نرماشیر وجود ندارد. عدم شناخت سفال نرماشیر از یک سو، و نقش سفال در گاهنگاری و مطالعه‌ی تغییرات فرهنگی جوامع از سوی دیگر، نشانگر ضرورت این پژوهش است. اهداف پژوهش عبارتند از: مطالعه‌ی سفال دوران اسلامی دشت نرماشیر و سنت‌های محلی تولید سفال، گونه‌شناسی و گاهنگاری نسبی و مقایسه‌ای سفال‌ها و تبیین روند تداوم حیات در نرماشیر.

پرسش‌های پژوهش: تکنیک‌ها و گونه‌های رایج سفال دوران اسلامی در دشت نرماشیر چیست و گاهنگاری آن‌ها چگونه است؟ فراز و فرود حیات در نرماشیر بر اساس گاهنگاری داده‌های سفال شاخص چگونه است؟ ویژگی‌های تولید و سبک محلی سفال در دشت نرماشیر چیست؟

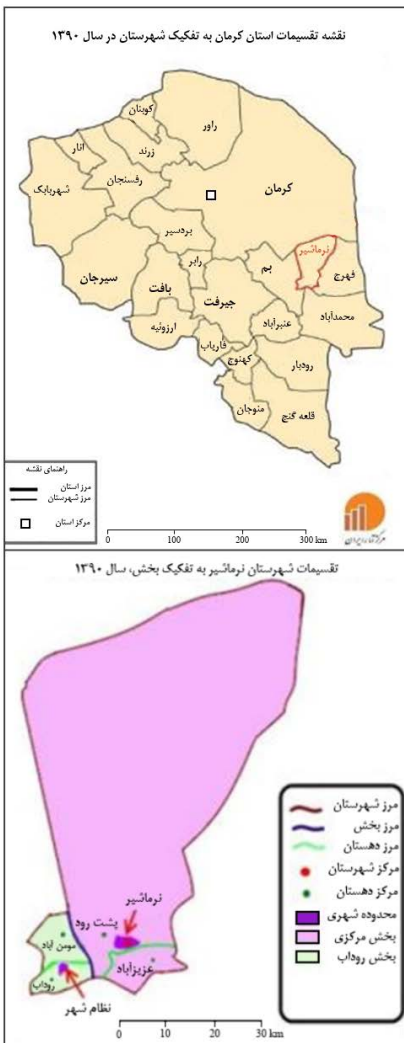
روش پژوهش: در این پژوهش، نمونه‌های سفال به روش میدانی و اطلاعات تکمیلی به منظور مطالعات مقایسه‌ای به روش اسنادی گردآوری شده است؛ همچنین، روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. بر این اساس، ابتدا اسناد تاریخی به منظور تبیین روند حیات در دشت نرماشیر بررسی و پس از آن، اسناد علمی درباره‌ی استقرارهای نرماشیر و سفال دوران اسلامی در نواحی دیگر مطالعه شد تا با مقایسه‌ی داده‌های نرماشیر و نواحی دیگر، امکان گاهنگاری نسبی گونه‌های سفال نرماشیر فراهم شود؛ سپس در یک بررسی پیمایشی به شیوه‌ی مکان‌نگاری، به مستندسازی آثار اسلامی در دشت نرماشیر در محدوده‌ای به وسعت ۳۲۰۰۰ هکتار اقدام شد. بر اساس نتایج این بررسی، در چهار محوطه‌ی: شهر قدیم نرماشیر (چغوک‌آباد)، جلال‌آباد، قلعه جمالی و رفیع‌آباد، نمونه‌های قابل توجهی از سفال اسلامی توزیع شده است؛ همچنین در سه محوطه‌ی: قلعه شمس‌آباد، پیرماشا و تپه کارتن، تعداد کم‌شماری از سفال اسلامی یافت شد، اما در گونه‌شناسی و مقایسه‌ی سفال‌های دشت نرماشیر دارای اهمیت است. پس از شناسایی محوطه‌ها، نقشه‌ی هر محوطه به نوارهایی موازی با عرض ۱۰ متر تقسیم شد. در این بررسی، قطعات سفال با روش «نمونه‌برداری» گردآوری شدند؛ زیرا در یک جامعه آماری نامحدود، امکان استفاده از روش «تمام‌شماری» برای گردآوری داده‌ها وجود ندارد. چارچوب نمونه‌برداری نیز بر اساس «خصوصیات کیفی» تعیین شد. پس از آن، نمونه‌برداری به روش «غیراحتمالی» از نوع «پیشامدی ساده» از هر ردیف یا نوار ۱۰ متری به انجام رسید. در مرحله‌ی بعد، ویژگی‌های کیفی سفال‌ها بر اساس متغیرهای: نوع و رنگ خمیره، تکنیک و کیفیت ساخت، آمیزه، شیوه‌ی اجرای نقش و نوع و رنگ لعاب، توصیف شد. پس از آن، در مرحله‌ی تحلیل به گاهنگاری نسبی، برهم‌کنش‌های فرهنگی با نواحی دیگر، تطبیق داده‌ها با توصیفات منابع مکتوب به منظور تبیین روند تداوم حیات در نرماشیر و مطالعه‌ی تولیدات محلی، پرداخته شد.

پیشینه‌ی پژوهش

اغلب پژوهش‌های باستان‌شناسی در دشت نرماشیر در ده سال اخیر صورت گرفته است. شهرام زارع (۱۳۸۷) در فصل دوم بررسی باستان‌شناسی شهرستان بزم، گزارشی از آثار دوران اسلامی دشت نرماشیر ارائه کرد؛ سپس امیرحاجلو (۱۳۹۳) به منظور تعیین عرصه و پیشنه‌ها در حريم شهر کهن نرماشیر به گمانه‌زنی پیرامون این محوطه اقدام کرد. امیرانی‌پور (۱۳۹۵) بر پایه‌ی داده‌های طرح تدوین پرونده‌ی ثبتی از آثار دشت نرماشیر، پایان‌نامه‌ی خود را با موضوع «مطالعه‌ی سفال دوران اسلامی دشت نرماشیر» نگاشت. مقبلی قرایی (۱۳۹۴) نیز آثار و محوطه‌های دوران اسلامی نرماشیر را در قالب پایان‌نامه‌ی خود بررسی و مطالعه کرد. سقایی و امیرحاجلو (۱۳۹۵) در مقاله‌ای، الگوی توزیع آثار و محوطه‌های دوران اسلامی را مطالعه کرده‌اند. ساختار معماری و عوامل مؤثر بر مکان‌گزینی قلاع جمالی و رفیع‌آباد نرماشیر نیز در دو مقاله‌ی دیگر بررسی و مطالعه شده است (ر. ک. به: مقبلی قرایی و همکاران، ۱۳۹۴؛ مقبلی قرایی و امیرحاجلو، ۱۳۹۶)؛ همچنین، مقبلی قرایی و همکاران (زیر چاپ) در مقاله‌ی دیگری ویژگی‌های معماری و الگوی پراکندگی استحکامات نظامی دشت نرماشیر را تبیین کرده‌اند. تازه‌ترین پژوهش درباره‌ی شهر قدیم نرماشیر، مقاله‌ای با موضوع «علل شکل‌گیری، گسترش و ترک آن بر پایه‌ی نظریه‌ی بوم‌شناسی کنت وات» است (سقایی و همکاران، ۱۳۹۷).

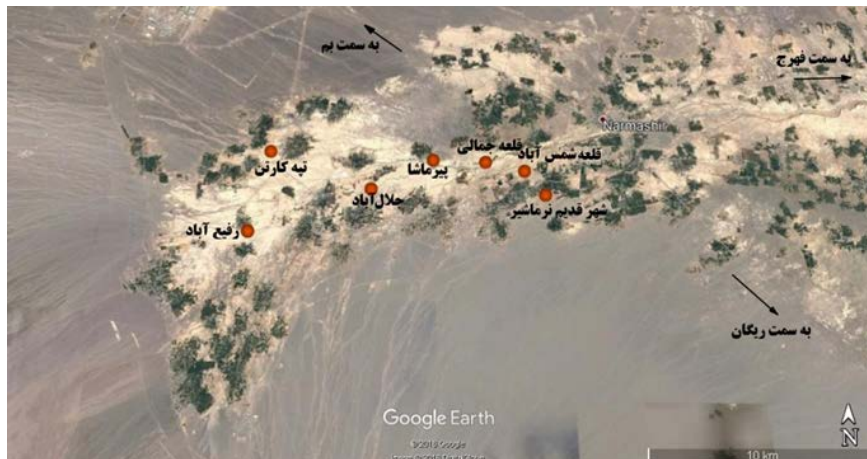
موقعیت جغرافیایی دشت نرماشیر و پراکندگی محوطه‌های اسلامی

دشت نرماشیر در شرق استان کرمان، در حاشیه‌ی جنوب غربی کویر لوت واقع است. شهرستان نرماشیر از شمال به شهرستان کرمان، از شرق به فهرج، از جنوب به ریگان و از غرب به بزم محدود است. این شهرستان با ۲۹۹۳ کیلومتر وسعت، حدود ۱/۶۳ درصد از مساحت استان کرمان را به خود اختصاص داده است (بنی‌اسدی، ۱۳۹۰: ۱۳۳). سیمای طبیعی شهرستان نرماشیر از دو بخش «کوهستانی» و «دشت» تشکیل شده است. ارتفاع بلندترین قله بخش کوهستانی در غرب و جنوب غربی نرماشیر بیش از ۳۰۰۰ متر و کمترین ارتفاع دشت، ۵۰۰ متر است (فشارکی، ۱۳۵۷: ۴-۵). دوگانگی اقلیم نرماشیر سبب بروز تنوع در مواد و منابع اولیه شده و نظام تولید متنوعی را در نواحی دشتی، پایکوهی و کوهستانی در پی داشته است؛ این تنوع از یک سو، و شاهراه ارتباطی جنوب شرقی کشور از سوی دیگر، به گسترش و رشد سکونتگاه‌های دوران اسلامی نرماشیر منتهی شده است (سقایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۸). اغلب آثار دوران اسلامی نرماشیر در نیمه‌ی جنوبی آن توزیع شده است؛ زیرا بخش وسیعی از نیمه‌ی شمالی شهرستان را کویر لوت فراگرفته است (نقشه ۱) و تنها چند محوطه در «دارستان» و در نیمه‌ی شمالی شهرستان گزارش شده‌اند که به ادوار نوسنگی تا مفرغ تعلق دارند (شهسواری و طیبی، ۱۳۹۳: ۱۰۱-۱۰۰). مهم‌ترین محوطه‌ی گزارش شده در میان آن‌ها، «تل آتشی دارستان» متعلق به دوران نوسنگی است (گاراژیان و رحمتی، ۱۳۹۱: ۱۱۱). مهم‌ترین آثار شناسایی شده از دوران اسلامی در دشت نرماشیر شامل: شهر کهن نرماشیر^۱، محوطه‌های جلال‌آباد، رفیع‌آباد، پیرماشا، قلعه جمالی، قلعه شهید، قلعه شمس‌آباد، برج عنایت‌آباد، برج ضیاء‌آباد، برج حجت‌آباد، تپه کارتن و کاروانسرای چهل تخم هستند (سقایی و امیرحاجلو، ۱۳۹۵: ۱۱-).



▲ نقشه ۱. شهرستان نرماشیر و تمرکز آبادی‌های آن در بخش جنوبی (مرکز آمار ایران).

۱۰). این آثار در بخش روداب (به مرکزیت نظام شهر) و جنوب بخش مرکزی (به مرکزیت رستم‌آباد) توزیع شده‌اند؛ اما نمونه‌های سفال دوران اسلامی تنها در هفت محوطه پراکنده شده‌است (جدول ۱ و نقشه ۲).



نقشه ۲. محوطه‌های دارای سفال اسلامی در دشت نرماشیر (Google Earth, 2011).

ردیف	نام محوطه	موقعیت	طول شرقی	عرض شمالی	ارتفاع
۱	شهر کهن نرماشیر (چغوک آباد)	بخش مرکزی، دهستان عزیزآباد، جنوب روستای شهید چمن	3199632 m N	40 R 662182 m E	790
۲	جلال آباد	بخش روداب، دهستان مؤمن آباد، روستای جلال آباد	3199737 m N	40 R 653617 m E	815
۳	رفیع آباد	بخش روداب، دهستان روداب شرقی، روستای رفیع آباد	3197652 m N	40 R 647753 m E	790
۴	قلعه جمالی	بخش مرکزی، دهستان عزیزآباد، قلعه شهید، حاشیه شمالی بهشت زهرا	3201262 m N	40 R 659307 m E	845
۵	قلعه شمس آباد	بخش مرکزی، دهستان عزیزآباد، شمال روستای شهید چمن	3200731 m N	40 R 661183 m E	793
۶	پیرماشا	بخش مرکزی، دهستان عزیزآباد، روستای فضل آباد	3201335 m N	40 R 656695 m E	805
۷	تپه کارتن	بخش روداب، دهستان مؤمن آباد، روستای مؤمن آباد	3201847 m N	40 R 648605 m E	838

جدول ۱. موقعیت محوطه‌های دارای سفال اسلامی در دشت نرماشیر (نگارندگان، ۱۳۹۷).

طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال اسلامی دشت نرماشیر

به منظور مطالعه‌ی سفال دشت نرماشیر، در مرحله‌ی نخست، ویژگی‌های فنی و ظاهری نمونه‌ها، برپایه‌ی متغیرهایی مانند: نوع قطعه، خمیره، پوشش داخلی و خارجی، آمیزه، شیوه و کیفیت ساخت، نوع تزیین، محل تزیین و کیفیت پخت ثبت شد.

در مرحله‌ی دوم، طبقه‌بندی نمونه‌های شاخص به منظور تعیین ارتباط میان داده‌ها صورت گرفت. بر این اساس، نمونه‌های سفال سطحی دشت نرماشیر به شیوه‌ی «اسمی» طبقه‌بندی شدند. از آنجایی‌که شیوه‌های نقش‌اندازی (تزیین) و لعاب‌دهی (پوشش) سفال اسلامی از تنوع زیادی برخوردار است و طبقه‌بندی سفال اسلامی، اغلب بر پایه‌ی دو متغیر فوق صورت می‌گیرد، نمونه‌های دشت نرماشیر نیز براساس پوشش و تزیین طبقه‌بندی شده‌اند. تنوع تزیین و پوشش، امکان تفکیک تولیدات محلی و وارداتی، گاهنگاری نسبی و مطالعه‌ی دامنه‌ی گسترش گونه‌های سفالی را امکان‌پذیر می‌سازد. در مرحله‌ی سوم، چهار گونه‌ی «ساده‌ی بی‌لعاب»، «منقوش بی‌لعاب»، «لعابدار ساده‌ی تک‌رنگ» و «لعابدار منقوش» معرفی و مطالعه شد. مرحله‌ی چهارم، مقایسه‌ی سفال دشت نرماشیر با نمونه‌های نواحی دیگر در ایران و خارج از ایران با هدف گاهنگاری نسبی نمونه‌هاست.

سفال بی‌لعب

الف) گونه‌ی سفال ساده‌ی بی‌لعب: سفال ساده‌ی بی‌لعب در هر هفت محوطه‌ی: شهر قدیم نرماشیر، جلال‌آباد، رفیع‌آباد، شمس‌آباد، قلعه جمالی، پیرماشا و تپه کارتن، شناسایی شده است. خمیره‌ی بیش از نیمی از نمونه‌ها، رُسی قرمز و سایر نمونه‌ها نخودی یا خاکستری است. این گروه، قطعاتی از ظروف دهانه‌باز، سینی و درپوش را شامل می‌شود. ماده‌ی چسباننده‌ی اغلب آن‌ها ماسه یا ماسه‌بادی است و تنها در چند قطعه آمیزه‌ی ترکیبی به‌کار رفته است. این سفال‌ها عموماً چرخ‌ساز و تنها قطعاتی از دسته، درپوش و لوله‌ی دست‌ساز هستند. اغلب قطعات سفال ساده‌ی بی‌لعب از نظر کیفیت ساخت، خشن هستند و بیش از ۱۰ میلی‌متر قطر دارند و تعدادی دارای کیفیت متوسط با قطر ۵ تا ۱۰ میلی‌متر هستند. لبه‌ها با فرم بیرون برگشته، تخت، اریب، مثلثی، مربعی، گرد ساده یا L شکل با زائده‌ی روبه بیرون و تعداد اندکی با فرم T شکل است. فرم کف سفال‌های ساده‌ی بی‌لعب عمدتاً تخت و در نمونه‌های معدودی مقعر است.

ب) گونه‌ی سفال منقوش بی‌لعب: گونه‌ی سفال منقوش بی‌لعب در هر هفت محوطه توزیع شده و از نظر شیوه‌ی اجرای نقش، به شش دسته‌ی: «نقش‌کنده»، «افزوده»، «قالب‌زده»، «مُهری یا فشاری»، «نقاشی» و «تلفیق نقش‌کنده و قالبی» تقسیم می‌شوند (تصویر ۱). این قطعات، دارای خمیره‌ای رُسی نخودی، قرمز یا خاکستری هستند. در جلال‌آباد، قلعه جمالی و پیرماشا، بیش از ۷۰ درصد قطعات منقوش بی‌لعب با خمیره‌ی قرمز تولید شده‌اند؛ اما در شهر نرماشیر، قلعه شمس‌آباد، رفیع‌آباد و تپه کارتن، تعداد نمونه‌های نخودی و قرمز تقریباً برابر است و نمونه‌های اندکی با خمیره‌ی خاکستری نیز وجود دارد. در نمونه‌های شهر قدیم نرماشیر، خمیره‌ی قرمز بیشتر در سفال‌های شبه پیش‌ازتاریخی و بی‌لعب با نقش‌کنده دیده می‌شود؛ اما نمونه‌های قالب‌زده و مُهری، عموماً دارای خمیره‌ی نخودی و تعداد کمی دارای خمیره‌ی قرمز و اسلیپ نخودی هستند.

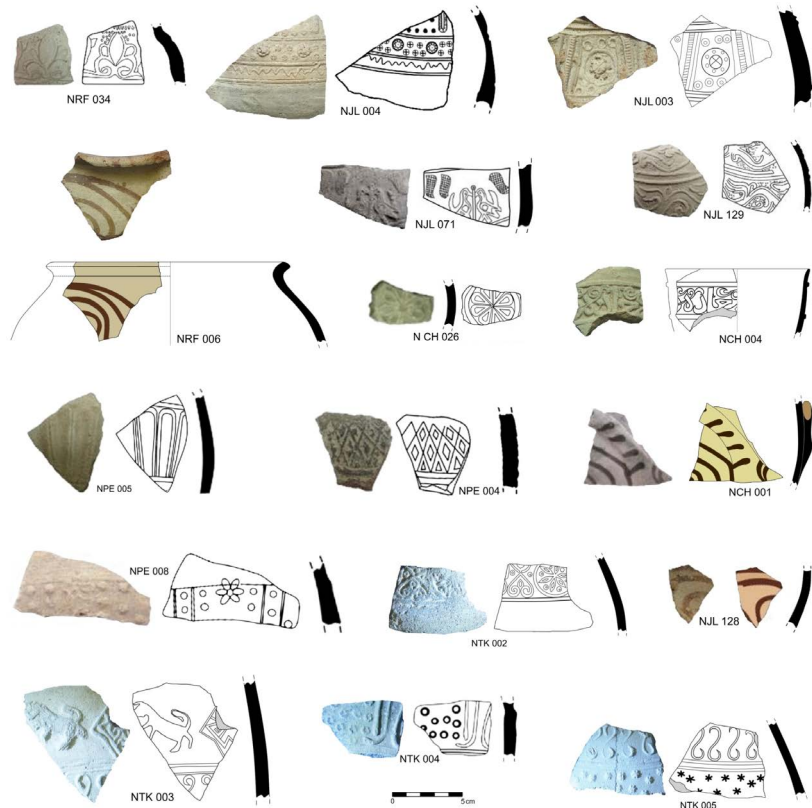
ماده‌ی چسباننده‌ی اغلب سفال‌های منقوش بی‌لعب، ماسه یا ماسه‌بادی است و تنها در چند قطعه در شهر قدیم نرماشیر و جلال‌آباد آمیزه‌ی ترکیبی به‌کار رفته است. اغلب این سفال‌ها چرخ‌ساز و تعدادی قالبی و دست‌ساز هستند. در تپه کارتن، تمامی قطعات منقوش بی‌لعب از نوع قالب‌زده هستند. در شهر قدیم نرماشیر، جلال‌آباد و قلعه جمالی، تقریباً نیمی از نمونه‌های منقوش بی‌لعب از نظر کیفیت ساخت، متوسط (قطر ۵ تا ۱۰ میلی‌متر) و نیم دیگر خشن (قطر بیش از ۱۰ میلی‌متر) هستند؛ اما در رفیع‌آباد و تپه کارتن، اغلب نمونه‌ها دارای کیفیت متوسط و در قلعه شمس‌آباد و پیرماشا اغلب قطعات خشن هستند. لبه‌ها عموماً با فرم: بیرون برگشته، تخت، اریب، مثلثی، مربعی، گرد ساده یا L شکل با زائده‌ی روبه بیرون است. درصد زیادی از سفال‌های منقوش بی‌لعب، دارای کف تخت و نمونه‌های اندکی مقعر یا حلقوی هستند. نقش تزئینی بیش از ۹۰ درصد از سفال‌های منقوش بی‌لعب در دشت نرماشیر هندسی است. نقوش رایج در نمونه‌های بی‌لعب با نقش‌کنده، شامل نقوش‌کننده‌ی: موجی، مثلثی، بیضی، شانهای عمودی یا افقی یا موژب، ردیف‌های خطوط: افقی، نقوش سوزنی، گل‌گندم، فرورفتگی‌های هلالی و اشکی شکل است.

در نمونه‌های بی‌لعاب با نقش: قالب‌زده، کتیبه‌ی کوفی گل‌دار و ثلث محصور در خطوط افقی، گل‌های چهار و شش و هشت‌پر، بوته‌ی گل، درخت، کبوتر، خروس، ماهی، شیر، نقوش هندسی مربع، مستطیل، ستاره، هلال، دایره، مثلث، لوزی، خیاره‌ای، صلیب شکسته، اسلیمی و طوماری، نقشی شبیه به نردبان، نقش اشک‌مانند، خطوط برجسته‌ی ضربداری و زیگزاگ، ایجاد شده است. در تپه کارتن، بیشترین درصد سفال‌های منقوش بی‌لعاب را گونه‌ی قالب‌زده تشکیل می‌دهد و با توجه به شناسایی قالب منفی در آن، به نظر می‌رسد این تپه، یکی از مراکز تولید سفال قالبی بوده است. رایج‌ترین نقوش تزیینی در گونه‌ی سفال بی‌لعاب با تزیین نقاشی (شبه پیش‌ازتاریخی) نیز نقوش هندسی است. این نمونه‌ها دارای خطوط پهن منحنی یا افقی یا موژب به رنگ قهوه‌ای مایل به قرمز، قهوه‌ای روشن و قرمز هستند. پراکندگی و توزیع گونه‌ی سفال بی‌لعاب با تلفیق نقش‌کننده و قالب‌زده در دشت نرماشیر کمتر از سایر گونه‌های منقوش بی‌لعاب است. نمونه‌های این گروه، دارای نقش صلیب شکسته، خطوط موازی و فرورفتگی‌های مثلثی شکل هستند. در شهر قدیم نرماشیر و جلال‌آباد، نمونه‌های قابل توجهی از چهار گونه‌ی نقش‌کننده، قالب‌زده، شبه پیش‌ازتاریخی، تلفیق‌کننده و قالب‌زده، شناسایی شده است؛ اما در هر دو محوطه، نمونه‌های اندکی از نقش‌افزوده‌ی بی‌لعاب و تزیین مهری و فشاری شناسایی شده است. در رفیع‌آباد نمونه‌هایی از دو گونه‌ی نقش‌کننده و شبه پیش‌ازتاریخی و تنها یک نمونه‌ی قالب‌زده و یک نمونه‌ی نقش‌افزوده شناسایی شده است. قطعات سفال منقوش بی‌لعاب در قلعه شمس‌آباد، تنها شامل گونه‌ی نقش‌کننده است. در قلعه جمالی سه گونه‌ی نقش‌کننده، قالب‌زده و تلفیق نقش‌کننده و قالبی وجود دارد و در پیرماشا نمونه‌هایی از چهار گونه‌ی: نقش‌کننده، قالب‌زده، نقش فشاری و تلفیق قالب‌زده و کنده، یافت شد. در تپه کارتن، تنها گونه‌ی قالب‌زده شناسایی شد.

سفال لعابدار

الف) سفال لعابدار تک‌رنگ: گونه‌ی سفال لعابدار تک‌رنگ در محوطه‌های دشت نرماشیر پراکندگی قابل توجهی دارد. این گونه‌ی سفال به دو گروه «ساده» و «منقوش» تقسیم می‌شود. نمونه‌های لعابدار تک‌رنگ منقوش، شامل انواع: نقش‌کننده، افزوده و قالبی زیر لعاب تک‌رنگ است.

۱. گونه‌ی لعابدار تک‌رنگ ساده: گونه‌ی لعابدار تک‌رنگ ساده در همه‌ی محوطه‌های دشت نرماشیر شناسایی شده است. لعاب این سفال، شامل هفت رنگ: سبز متوسط، سبز روشن، فیروزه‌ای، آبی، لاجوردی، قهوه‌ای و بنفش است. پرکاربردترین رنگ‌ها در لعاب این سفال‌ها در شهر قدیم نرماشیر به ترتیب سبز متوسط و فیروزه‌ای و در رفیع‌آباد سبز و قهوه‌ای است؛ اما در قلعه شمس‌آباد، جلال‌آباد و قلعه جمالی، لعاب فیروزه‌ای پرکاربردتر بوده است. خمیره‌ی اغلب این سفال‌ها فریتی، رُسی نخودی یا قرمز است. در نمونه‌های لعابدار تک‌رنگ ساده در شهر قدیم نرماشیر و قلعه شمس‌آباد، هر سه نوع خمیره به یک میزان استفاده شده است؛ اما در جلال‌آباد بیش از ۷۰ درصد و در رفیع‌آباد و قلعه جمالی بیش از ۸۰ درصد از سفال‌ها دارای خمیره‌ی قرمز هستند.



► تصویر ۱. سفال بدون لعاب دوران اسلامی در دشت نرماشیر (نگارندگان، ۱۳۹۷).

ماده‌ی چسباننده‌ی تمام سفال‌های لعابدار تک‌رنگ ساده، ماسه یا ماسه‌بادی است. اغلب این سفال‌ها چرخ‌ساز هستند. تقریباً تمام نمونه‌های سفال لعابدار تک‌رنگ رفیع‌آباد و بیش از نیمی از نمونه‌های شهر قدیم نرماشیر و جلال‌آباد کمتر از ۵ میلی‌متر قطر دارند. سایر قطعات دارای کیفیت ساخت متوسط و قطر ۵ تا ۱۰ میلی‌متر هستند. در قلعه شمس‌آباد، قطعات سفال ظریف و متوسط به یک میزان توزیع شده‌اند و در قلعه جمالی و محوطه‌ی پیرماشا نمونه‌های سفال متوسط فراوان‌تر از سفال ظریف است. لبه‌ی نمونه‌های لعابدار تک‌رنگ ساده با فرم: بیرون برگشته، عمودی، تخت، اریب و گرد ساده است. درصد کف‌های تخت، مقعر و حلقوی در نمونه‌های سفال لعابدار تک‌رنگ در دشت نرماشیر تقریباً به یک میزان است.

۲. گونه‌ی لعابدار تک‌رنگ منقوش: گونه‌ی لعابدار تک‌رنگ منقوش در: شهر قدیم نرماشیر، جلال‌آباد، رفیع‌آباد، شمس‌آباد و قلعه جمالی شناسایی شده است. این گونه‌ی سفال به چهار گونه‌ی فرعی: «نقش‌کننده زیر لعاب»، «افزوده زیر لعاب»، «قالب‌زده زیر لعاب» و «مهری زیر لعاب» تقسیم می‌شود (تصویر ۲). رایج‌ترین گونه در شهر قدیم نرماشیر، گونه‌ی نقش‌کننده زیر لعاب تک‌رنگ و پرکاربردترین خمیره، خمیره فریتی است. اغلب قطعات خمیره فریتی، دارای لعاب: فیروزه‌ای، لاجوردی، بنفش یا بادمجانی و سفید هستند؛ اما در نمونه‌های خمیره‌ی رسی، لعاب سبز نیز استفاده شده است.

نمونه‌های نقش‌افزوده‌ی زیر لعاب تک‌رنگ در شهر قدیم نرماشیر دارای خمیره‌ی نخودی یا قرمز هستند. نقوش آن‌ها شامل نقش دایره‌های متوالی در محور عمودی، نواری و موجی، نواری مورّب و دایره‌های برجسته است که عموماً زیر لعاب سبز ایجاد

شده‌اند. همچنین، یک نمونه با نقش قالب‌زده زیر لعاب تک‌رنگ فیروزه‌ای در شهر قدیم نرماشیر شناسایی شد. در جلال‌آباد، رفیع‌آباد و قلعه جمالی، بیش از ۷۰ درصد نمونه‌ها و در قلعه شمس‌آباد تمامی قطعات دارای خمیره‌ی قرمز هستند.

ماده‌ی چسباننده‌ی تمام سفال‌های لعابدار تک‌رنگ منقوش، ماسه یا ماسه‌بادی است. اغلب این سفال‌ها چرخ‌ساز هستند. قطر تمام قطعات سفال لعابدار تک‌رنگ منقوش در قلعه شمس‌آباد و اغلب قطعات در شهر قدیم نرماشیر و رفیع‌آباد کمتر از ۵ میلی‌متر است و قطعات معدودی دارای کیفیت ساخت متوسط و قطر ۵ تا ۱۰ میلی‌متر هستند؛ اما در جلال‌آباد، نمونه‌های ظریف و متوسط به یک میزان توزیع شده‌اند. در قلعه جمالی، اغلب قطعات کیفیت ساخت متوسطی دارند. فرم لبه‌ی این سفال‌ها: بیرون برگشته، عمودی، تخت، اریب و گرد ساده، و فرم کف آن‌ها تخت، حلقوی یا مقعر است.

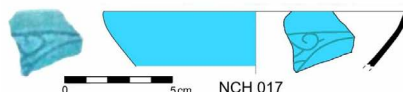
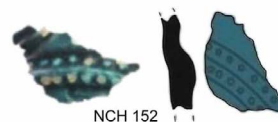
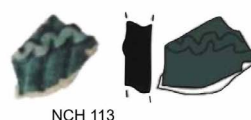
ب) سفال لعابدار چندرنگ: سفال لعابدار چندرنگ در دشت نرماشیر از تنوع زیادی برخوردار است و به هشت گونه‌ی: گلابه‌ای، لعاب پاشیده، تلفیق گلابه‌ای و پاشیده، اسگرافیتو، نقاشی زیر لعاب، نقاشی روی لعاب، زرین فام و آبی و سفید تقسیم می‌شوند. رایج‌ترین خمیره در این گروه از سفال‌های دشت نرماشیر، خمیره‌ی رسی قرمز و پس از آن به ترتیب خمیره‌ی رسی نخودی و خمیره‌ی فریتی است. همه‌ی نمونه‌ها چرخ‌ساز هستند. کیفیت ساخت اغلب نمونه‌های شهر قدیم نرماشیر، شمس‌آباد و رفیع‌آباد، ظریف و تعداد معدودی متوسط است؛ اما در جلال‌آباد، نمونه‌های متوسط و ظریف تقریباً به یک میزان توزیع شده‌اند. بیشترین نوع نقش در این سفال‌ها، نقوش هندسی است؛ اما نقش گیاهی، کتیبه‌ی کوفی و نقوش ترکیبی نیز اجرا شده است. رایج‌ترین فرم ظروف شامل: کاسه، پیاله، بشقاب و دیس است و اغلب نمونه‌ها دارای فرم لبه‌ی گرد ساده به سمت بالا یا اریب هستند.

گونه‌ی گلابه‌ای: گونه‌ی سفال با تزئین گلابه‌ای، دارای خمیره‌ی قرمز یا نخودی است. تزئین این نمونه‌ها شامل: نقش سفید روی زمینه‌ی قهوه‌ای یا سیاه، نقش سیاه روی زمینه‌ی سفید یا زرد یا عسلی، نقش سیاه با لکه‌های زرد، نقش فیروزه‌ای روی زمینه‌ی سیاه، کتیبه‌ی کوفی قهوه‌ای روی زمینه‌ی کرم و نقش سفید و قهوه‌ای و خطوط سیاه روی زمینه‌ی سبز است (تصویر ۳).

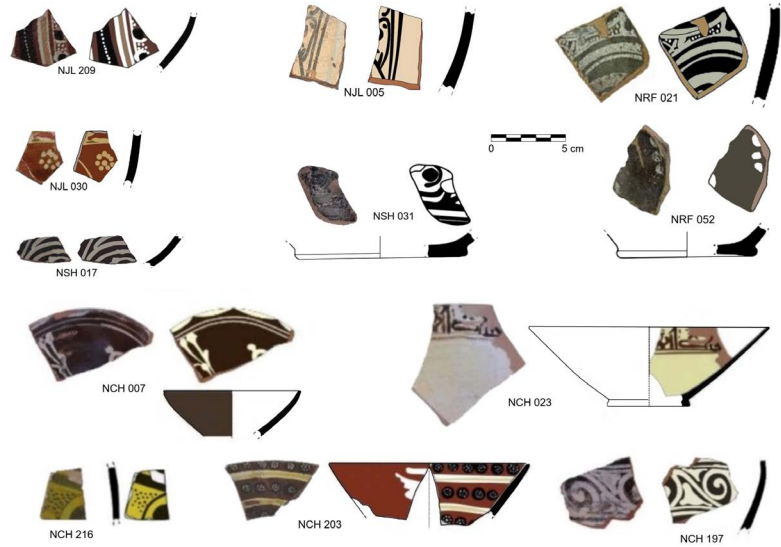
گونه‌ی لعاب پاشیده: سفال لعاب پاشیده در دشت نرماشیر، عموماً دارای خمیره‌ی قرمز و لعاب سبز، زرد و قهوه‌ای است. گونه‌ی ترکیبی گلابه‌ای و پاشیده نیز دارای خمیره‌ی قرمز و نقوش سیاه روی زمینه‌ی قهوه‌ای و رنگ پاشیده‌ی سبز است (تصویر ۴).

گونه‌ی اسگرافیتو: گونه‌ی اسگرافیتو در دشت نرماشیر، دارای خمیره‌ی قرمز است و خطوط ظریف هندسی کنده بر سطح سفال با لعاب پاشیده سبز و قهوه‌ای پوشیده شده است (تصویر ۴). بر سطح یکی از نمونه‌ها، لعاب قهوه‌ای و سفید برای پوشش خطوط کنده‌ی هندسی استفاده شده، اما لعاب روی سفال به صورت پاشیده نیست و به نظر می‌رسد فرآیند لعاب‌دهی، کنترل شده و هدفمند بوده است.

گونه‌ی زرین فام: نمونه‌های زرین فام دشت نرماشیر با خمیره‌ی رسی نخودی تولید شده‌اند. تزئین این سفال‌ها شامل: نقوش گیاهی و هندسی با رنگ‌های قهوه‌ای، طلایی و زرد است (تصویر ۴).



▲ تصویر ۲. سفال لعابدار تک‌رنگ ساده و منقوش در دشت نرماشیر (نگارندگان، ۱۳۹۷).



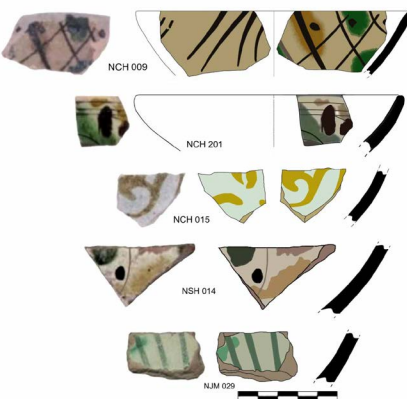
► تصویر ۳. سفال لعابدار گلابه‌ای در دشت نرماشیر (نگارندگان، ۱۳۹۷).

گونه‌ی نقاشی زیر لعاب: گونه‌ی نقاشی زیر لعاب در نرماشیر دارای خمیره‌ی نخودی یا قرمز و نقوش: هندسی سیاه و لعاب فیروزه‌ای، کرم، سفید یا سبز، نقوش سیاه و آبی و لعاب سفید، و نقوش فیروزه‌ای تیره و لعاب فیروزه‌ای روشن است (تصویر ۵).

گونه‌ی نقاشی روی لعاب: از گونه‌ی سفال نقاشی روی لعاب، تنها دو قطعه شناسایی شده که یکی دارای زمینه‌ی سفید و نقوش هندسی قهوه‌ای و آبی است و دیگری دارای زمینه‌ی لاجوردی و نقوش طلایی است.

گونه‌ی آبی و سفید: در ساخت گونه‌ی سفال آبی و سفید در دشت نرماشیر از دو نوع خمیره‌ی فریتی یا ژسی نخودی استفاده شده است. این گونه‌ی سفال، دارای زمینه‌ی سفید و نقوش هندسی و گیاهی آبی است (تصویر ۵).

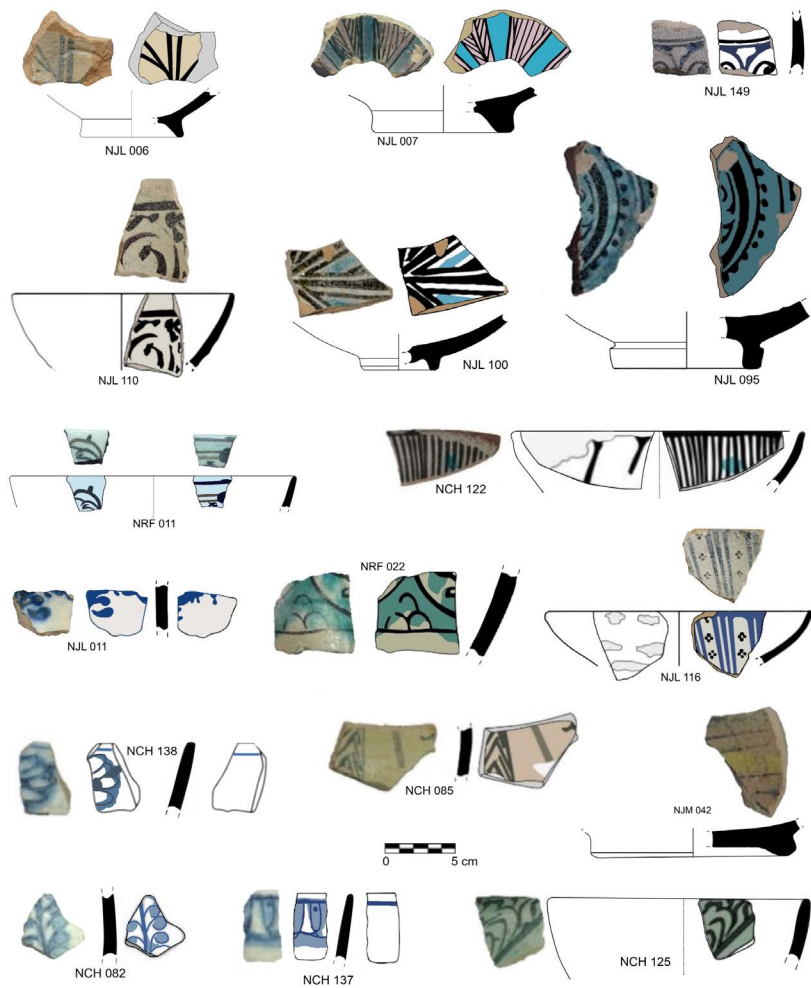
در مجموع، در شهر قدیم نرماشیر، هشت گونه‌ی سفال لعابدار چندرنگ (گلابه‌ای، لعاب پاشیده، تلفیق گلابه‌ای و پاشیده، اسگرافیتو، نقاشی زیر لعاب، نقاشی روی لعاب، زرین فام، آبی و سفید)؛ در جلال‌آباد شش گونه (گلابه‌ای، لعاب پاشیده، تلفیق گلابه‌ای و پاشیده، اسگرافیتو، نقاشی زیر لعاب، آبی و سفید)؛ در رفیع‌آباد چهار گونه (گلابه‌ای، لعاب پاشیده، اسگرافیتو و نقاشی زیر لعاب)؛ در قلعه شمس‌آباد نمونه‌های اندکی از دو گونه‌ی گلابه‌ای و اسگرافیتو؛ در قلعه جمالی دو گونه‌ی گلابه‌ای و نقاشی زیر لعاب؛ در پیرماشا، تنها یک قطعه از گونه‌ی نقاشی زیر لعاب شناسایی شد. در تپه کارتن نمونه‌ای از سفال‌های لعابدار چندرنگ یافت نشد.



▲ تصویر ۴. سفال‌های لعاب پاشیده، اسگرافیتو و زرین فام اولیه در دشت نرماشیر (نگارندگان، ۱۳۹۷).

تحلیل داده‌ها

الف) روابط فرهنگی با دیگر محوطه‌های اسلامی برپایه‌ی مقایسه‌ی گونه‌های سفال: تبیین پیوندها و برهم‌کنش‌های فرهنگی جوامع، نیازمند مقایسه عناصر و مؤلفه‌های زیادی است؛ اما «سفال به‌عنوان عنصری جدایی‌ناپذیر از هنر و زندگی روزمره‌ی انسان می‌تواند بیانگر اشتراکات و روابط جوامع مختلف باشد و چگونگی برهم‌کنش میان جوامع را روشن نماید» (خدادوست و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۸). از سوی



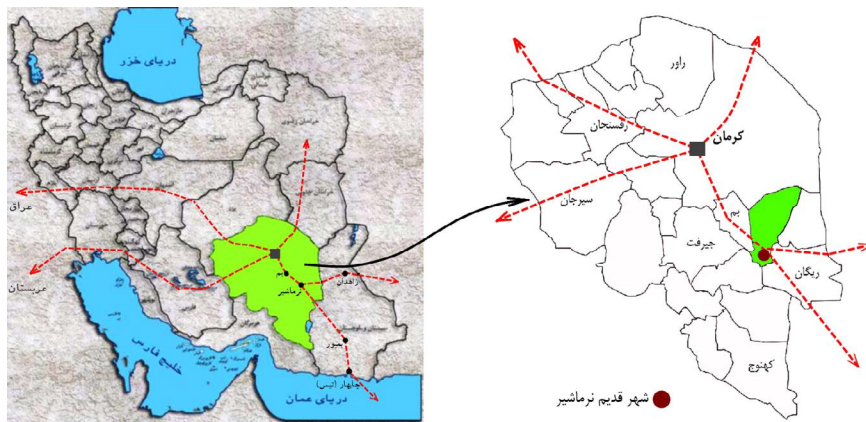
تصویر ۵. سفال نقاشی زیرلعاب و آبی و سفید در دشت نرماشیر (نگارندگان، ۱۳۹۷).

دیگر، وجود شباهت میان نمونه‌های سفال در سرزمین‌های اسلامی، بیانگر ساخت و گسترش گونه‌های سفال رسمی و استاندارد هم‌چون: اسگرافیتو، نقش‌کنده‌ی زیرلعاب تک‌رنگ، گلابه‌ای، قالب‌زده، آبی و سفید و ... است که در مراکز خاص تولید و به مناطق دیگر صادر می‌شدند یا در کارگاه‌های محلی با کیفیتی نازل تر تقلید می‌شدند (همان: ۱۶۹)؛ بنابراین «تقلید گونه‌های سفال و تولید آن‌ها با کیفیتی پایین‌تر» یا «جابه‌جایی گونه‌های سفال در پی صادرات» از روابط فرهنگی و اقتصادی میان جوامع حکایت دارد. افزون بر این، جابه‌جایی برخی گونه‌های سفال در قالب هدایا نیز بیانگر روابط سیاسی جوامع است؛ بنابراین، مقایسه‌ی سفال نرماشیر با نواحی دیگر، امکان ترسیم چشم‌اندازی از روابط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی نرماشیر را فراهم می‌سازد. افزون بر این، روابط فرهنگی میان جوامع، ناشی از موقعیت جغرافیایی بر سر راه‌های ارتباطی نیز است. همان‌گونه که وجود شبکه‌ای از راه‌های ارتباطی، به توزیع و گسترش سنت‌های هنری و فرهنگی می‌انجامد، پراکندگی گونه‌های سفال به‌عنوان تولید هنری و فنی در یک یا چند حوزه‌ی جغرافیایی واقع بر سر راه‌های ارتباطی، بیانگر وجود رابطه‌ی میان آن حوزه‌هاست؛ بنابراین، باید دلایل تشابه گونه‌های سفال نرماشیر با نواحی دیگر را در موقعیت و نقش آن در شاهراه ارتباطی جنوب شرق به نواحی دیگر

► نمودار ۱. گونه‌های سفال شاخص دوران اسلامی در دشت نرماشیر (نگارندگان، ۱۳۹۷).



► نقشه ۳. موقعیت نرماشیر بر سر راه‌های «هندوستان و جنوب شرق ایران» به «خراسان، مرکز فلات ایران و مراکز خلافت اسلامی» (نگارندگان، ۱۳۹۷).



جست. به گواهی منابع مکتوب، شهر نرماشیر در سده‌ی سوم ه.ق. «از شهرهای اصلی کرمان» (یعقوبی، ۱۳۸۱: ۵۰) و در سده‌ی چهارم ه.ق.، «یکی از پنج ولایت اصلی کرمان» شمرده می‌شد (مقدسی، ۱۳۸۵: ۶۸۱). جاده‌ی اصلی مرکز فلات ایران به هندوستان، دریای عمان و سیستان از نرماشیر می‌گذشت و این مسیر، شاهراه بازرگانی جنوب شرقی کشور بود. افزون بر این، راه ارتباطی جنوب شرق با کانون‌های جغرافیایی جهان اسلام (یعنی: مکه، مدینه، سامرا و بغداد) از نرماشیر عبور می‌کرد (همان)، (نقشه ۳)؛ بنابراین، توزیع گونه‌های سفال مشابه در شهرهای واقع بر این مسیرها دور از انتظار نیست. بر اساس جدول ۲، مهم‌ترین مراکزی که در بردارنده‌ی گونه‌های سفال مشابه با نمونه‌های نرماشیر هستند و احتمالاً از طریق شبکه راه‌های اصلی با نرماشیر در ارتباط بوده‌اند، عبارتند از: جیرفت، غبیرا، ری، اصفهان در مسیر ارتباطی جنوب شرق به

جدول ۲. گاهنگاری سفال دوران اسلامی دشت نرماشیر (نگارندگان، ۱۳۹۷).

ردیف	محوطه	گونه	کد	محل مقایسه و منبع	تاریخ گذاری
۱	شهر قدیم نرماشیر (محوطه‌ی چنوک‌آباد)	نقاشی شبه پیش‌ازتاریخی	NCH-001	حوزه‌ی رود کُر فارس، سی‌سخت و بویر احمد (ویتکم، ۱۳۸۲؛ صدیقیان و غلامی، ۱۳۹۱: ۱۲۵)، مرودشت، سیراف (Priestman, 2013: 526-527)	۵-۸ ه.ق.
۲		قالب‌زده بی‌لغاب	NCH-004	جنوب شرقی ایران (Priestman, 2013: 687, 467)، شهر قدیم جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱: ۱۰۳)	۵-۷ ه.ق.
۳		"	NCH-026	جنوب شرقی ایران (Priestman, 2013: 687, 467)	۵-۷ ه.ق.
۴		گلابه‌ای	NCH-007	جنوب شرقی و جنوب ایران (Priestman, 2013: 599-600)، جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱: ۱۰۵)	۳-۶ ه.ق.
۵		"	NCH-023	نیشابور (Wilkinson, 1973: 110, 120)، بلقیس اسفراین (زارعی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۵)، جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱: ۱۰۶)	۳-۵ ه.ق.
۶		"	NCH-197	مالین باخزر (خدادوست و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۶، تصویر ۴۴)، جنوب شرق و جنوب ایران (Priestman, 2013: 599-600)، شرق ایران (عطایی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۲)	۳-۶ ه.ق.
۷		"	NCH-203	نیشابور (Wilkinson, 1973: xviii, 169)، جنوب شرقی و جنوب ایران (Priestman, 2013: 599-600)	۴-۶ ه.ق.
۸		"	NCH-216	نیشابور (Wilkinson, 1973: 213)، جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱: ۱۰۷)	۳-۵ ه.ق.
۹	گلابه‌ای و لغاب پاشیده سبز		NCH-009	ری (Treptov, 2007: 34)	۵-۶ ه.ق.
۱۰	زرین فام اولیه		NCH-015	بلقیس اسفراین (زارعی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۴)، جنوب ایران، سیراف (Priestman, 2013: 563)، جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱: ۱۰۶)، الهولیا امارات (Kennet, 2004: 41)	اواخر سده ۳ تا ۴ ه.ق.
۱۱	نقش‌کنده زیر لغاب تکرنگ		NCH-017	جنوب ایران، سیراف (Priestman, 2013: 609)، کوش رأس‌الخیمه امارات (Kennet, 2004: 49)، رباط سلطان اصفهان (امیرحاجلو، ۱۳۹۱: ۳۲۲)	۶-۹ ه.ق.
۱۲	"		NCH-043	جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱: ۱۱۰)، پل سنگی و شاهوازی کمشچه، رباط سلطان در اصفهان (امیرحاجلو، ۱۳۹۱: ۳۲۲، ۳۶۹، ۳۶۲)	۶-۷ ه.ق.
۱۳	اسگرافینو		NCH-201	نیشابور (Wilkinson, 1973: xiv, 67)، زینوآباد بهار همدان (محمدی و شعبانی، ۱۳۹۵: ۱۴۲)، سیراف (Priestman, 2013: 74, 591, 698)، سیرجان و رأس‌الخیمه (Kennet, 2004: 46, 175)	نیمه قرن ۴ تا ۷ ه.ق.
۱۴	نقش افزوده زیر لغاب تکرنگ		NCH-113	سیراف (Whitehouse, 1979: 49, pl. IIIa)، شهر قدیم جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱: ۱۰۵)	۲-۴ ه.ق.
۱۵	"		NCH-152	سیراف (Whitehouse, 1979: 49, pl. IIIa)، جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱: ۱۰۵)	۲-۴ ه.ق.
۱۶	نقاشی زیر لغاب		NCH-016	قصر ابن‌نصر (o) (Whitcomb, 1985: 71)، ری (Treptov, 2007: 38)، جنوب ایران (Priestman, 2013: 624-625)، المناف رأس‌الخیمه (Kennet, 2004: 58, 142)	۷-۹ ه.ق.
۱۷	"		NCH-085	رأس‌الخیمه امارات (Kennet, 2004: 53, 175)، جنوب ایران (Priestman, 2013: 625-626)	۷-۸ ه.ق.
۱۸	"		NCH-122	المناف در رأس‌الخیمه (Kennet, 2004: 58, 142)	۸-۹ ه.ق.
۱۹	"		NCH-125	جنوب ایران (Priestman, 2013: 624-625)، المناف در رأس‌الخیمه (Kennet, 2004: 58, 142)، سامن ملایر (همتی ازندریانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۹۸)	۸-۱۱ ه.ق.
۲۰	آبی‌وسفید		NCH-082	جنوب ایران، المناف در رأس‌الخیمه (Priestman, 2013: 623-624)، مالین باخزر (خدادوست و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۶، تصویر ۶۷)، زینوآباد بهار همدان (محمدی و شعبانی، ۱۳۹۵: ۱۴۵)	۷-۱۱ ه.ق.
۲۱	"		NCH-137	جنوب ایران، المناف در رأس‌الخیمه (Priestman, 2013: 623-624)، مالین باخزر (خدادوست و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۶، تصویر ۶۷)، زینوآباد بهار همدان (محمدی و شعبانی، ۱۳۹۵: ۱۴۵)	۷-۱۱ ه.ق.
۲۲	"		NCH0138	جنوب ایران، المناف در رأس‌الخیمه (Priestman, 2013: 623-624)، مالین باخزر (خدادوست و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۶، تصویر ۶۷)، زینوآباد بهار همدان (محمدی و شعبانی، ۱۳۹۵: ۱۴۵)	۷-۱۱ ه.ق.
۲۳	جلال‌آباد	شبه پیش‌ازتاریخی	NJL-128	رود کُر فارس، سی‌سخت، بویر احمد (ویتکم، ۱۳۸۲)، ارگ‌شهر سمریان و میلان عتیق اصفهان (صدیقیان و غلامی، ۱۳۹۱: ۱۲۵)، مرودشت، سیراف (Priestman, 2013: 526, 529)	۵-۸ ه.ق.
۲۴		قالب‌زده بی‌لغاب	NJL-003	عین جوان دمام عربستان (LeBaron Bowen et al. 1950 48M, 60)، جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱: ۱۰۳)	۵-۷ ه.ق.
۲۵		"	NJL-004	جنوب شرقی ایران (Priestman, 2013: 687, 467)، جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱: ۱۰۳)	۵-۷ ه.ق.
۲۶		"	NJL-071	جنوب شرقی ایران (Priestman, 2013: 687, 467)، جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱: ۱۰۳)	۵-۷ ه.ق.
۲۷		"	NJL-129	جنوب شرقی ایران (Priestman, 2013: 687, 467)، جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱: ۱۰۳)	۵-۷ ه.ق.
۲۸		گلابه‌ای	NJL-005	سیرجان (Priestman, 2013: 601)، جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱: ۱۰۵)	۴-۶ ه.ق.
۲۹		"	NJL-030	نیشابور (Wilkinson, 1973: xviii, 169)، سیرجان، جنوب ایران (Priestman, 2013: 599-600)، جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱: ۱۰۵)	۴-۶ ه.ق.
۳۰		"	NJL-209	نیشابور (Wilkinson, 1973: 128)، سیرجان، جنوب ایران (Priestman, 2013: 599-600)	۴-۶ ه.ق.

ادامه‌ی جدول ۲. گاهنگاری سفال دوران اسلامی دشت نرماشیر (نگارندگان، ۱۳۹۷). ▼

ردیف	محوطه	گونه	کد	محل مقایسه و منبع	تاریخ گذاری
۳۱		نقش‌کنده زیرلغاب	NJL-027	نیشابور (Wilkinson, 1973: 250)، زینوآباد بهار همدان (محمدی و شعبانی، ۱۳۹۵: ۱۴۲)، رأس الخیمه امارات، سیرجان و لشکری‌بازار (Kennet, 2004: 44, 174)	۴-۷ ه.ق.
۳۲		نقش مهری زیر لغاب تکرنگ	NJL-064	-	سده‌های میانی اسلامی؟
۳۳		نقاشی زیرلغاب	NJL-006	جنوب ایران (Priestman, 2013: 625-626)، ری (Treptov, 2007: 38) * المتاف رأس الخیمه (Kennet, 2004: 58, 142)	۸-۱۱ ه.ق.
۳۴		"	NJL-007	ری (Treptov, 2007: 38) * المتاف در رأس الخیمه (Kennet, 2004: 58, 142)	۸-۹ ه.ق.
۳۵		"	NJL-095	ری (Treptov, 2007: 38) * جنوب ایران (Priestman, 2013: 624, 702) * مالن باخر (خدادوست و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۶، تصویر ۵۵)، زینوآباد بهار همدان (محمدی و شعبانی، ۱۳۹۵: ۱۴۵)	۸-۱۱ ه.ق.
۳۶		"	NJL-100	مالین باخر (خدادوست و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۶، تصویر ۴۸)، ری (Treptov, 2007: 38) * المتاف در رأس الخیمه (Kennet, 2004: 58, 142)	۸-۹ ه.ق.
۳۷		"	NJL-110	کیش، سیراف، الهولیلاده رأس الخیمه امارات (Kennet, 2004: 52) * مالن باخر (خدادوست و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۶، تصویر ۵۸)	۵-۷ ه.ق.
۳۸		"	NJL-116	کیش، سیراف، الهولیلاده رأس الخیمه امارات (Kennet, 2004: 52) * مالن باخر (خدادوست و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۶، تصویر ۵۸)	۵-۷ ه.ق.
۳۹		"	NJL-149	کیش، سیراف، الهولیلاده در رأس الخیمه امارات (Kennet, 2004: 52) * مالن باخر (خدادوست و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۶، تصویر ۵۸)	۵-۷ ه.ق.
۴۰		آبی‌وسفید	NJL-011	جنوب ایران، المتاف در رأس الخیمه (Priestman, 2013: 623-624) * مالن باخر (خدادوست و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۶، تصویر ۶۷)، زینوآباد همدان (محمدی و شعبانی، ۱۳۹۵: ۱۴۲)	۷-۱۱ ه.ق.
۴۱	رفع‌آباد	نقاشی شبه پیش‌ازتاریخی	NRF-006	حوزه رود گر فارس، سی‌سخت و بویر احمد (ویتکم، ۱۳۸۲: صدیقیان و غلامی، ۱۳۹۱: ۱۳۵)، مرودشت، سیراف (Wilkinson, 1973: 526-527, 529-530) (Priestman, 2013: 526-527, 529-530)	۵-۸ ه.ق.
۴۲		کلابه‌ای	NRF-021	نیشابور (۴۴)، سیرجان، جنوب ایران (Wilkinson, 1973: 599-600) (Priestman, 2013: 599-600)	۴-۶ ه.ق.
۴۳		"	NRF-052	جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱: ۱۰۵)، سیرجان، جنوب ایران (Priestman, 2013: 599-600)	۴-۶ ه.ق.
۴۴		قالب‌زده بی‌لغاب	NRF-034	جنوب شرقی ایران (Priestman, 2013: 687, 467) * جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱: ۱۰۳)	۵-۷ ه.ق.
۴۵		نقاشی زیرلغاب	NRF-022	المتاف در رأس الخیمه (Kennet, 2004: 58, 142)	۸-۹ ه.ق.
۴۶		"	NRF-011	سسامن ملایر (همتی از ندر بانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۹۸)، جنوب ایران، المتاف رأس الخیمه (Priestman, 2013: 623-624)	۸-۱۱ ه.ق.
۴۷	قلعه شمس‌آباد	کلابه‌ای	NSH-017	مالین باخر (خدادوست و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۶، تصویر ۴۴)، سیرجان، جنوب ایران (Priestman, 2013: 599-600)	۴-۶ ه.ق.
۴۸		"	NSH-031	مالین باخر (خدادوست و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۶، تصویر ۴۴)، سیرجان، جنوب ایران (Priestman, 2013: 599-600)	۴-۶ ه.ق.
۴۹		اسگرافتو	NSH-014	جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱: ۱۰۷)، نیشابور (Wilkinson, 1973 xiv, 67) * سیراف (Priestman, 2013: 74, 591, 698) * سیرجان و رأس الخیمه امارات (Kennet, 2004: 46, 175)	نیمه‌ی قرن ۴ تا ۷ ه.ق.
۵۰	قلعه جمالی	کلابه‌ای	NJM-007	بلقیس اسفراین (زارعی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۰)	۲-۴ ه.ق.
۵۱		گلابه‌ای و پاشیده	NJM-029	سیراف، سامرا (Priestman, 2013: 572)	۳-۴ ه.ق.
۵۲		نقاشی زیر لغاب	NJM-042	بلقیس اسفراین (زارعی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۸)	۳-۴ ه.ق.
۵۳	پیر ماشا	قالب‌زده بی‌لغاب	NPE-005	جنوب شرقی ایران (Priestman, 2013: 687, 467) * جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱: ۱۰۳)	۵-۷ ه.ق.
۵۴		"	NPE-008	جنوب شرقی ایران (Priestman, 2013: 687, 467)	۵-۷ ه.ق.
۵۵		نقش کنده و قالبی بی‌لغاب	NPE-004	جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱: ۱۰۳)، جنوب شرقی ایران (Priestman, 2013: 687, 467)	۵-۷ ه.ق.
۵۶		کلابه‌ای	NPE-006	سیراف، عراق، کوش رأس الخیمه (Priestman, 2013: 567-568) * مورچه‌خورت اصفهان (امیرحاجلو، ۱۳۹۱: ۱۴۸)	۳-۴ ه.ق.
۵۷	تپه کارتن	قالب‌زده بی‌لغاب	NTK-002	جنوب شرقی ایران (Priestman, 2013: 467, 508) * جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱: ۱۰۳)	۵-۷ ه.ق.
۵۸		"	NTK-003	جنوب شرقی ایران (Priestman, 2013: 467, 508)	۵-۷ ه.ق.
۵۹		"	NTK-004	نیشابور (Wilkinson, 1973: 358, fig. 161) * دشت‌ده صوغان و جنوب شرقی ایران (Priestman, 2005: 205-206)	۵-۷ ه.ق.
۶۰		"	NTK-005	نیشابور (Wilkinson, 1973: 360, fig. 186) * دشت‌ده صوغان و جنوب شرقی ایران (Priestman, 2005: 205-206)	۵-۷ ه.ق.

مرکز ایران؛ نیشابور، بلقیس اسفراین و لشکری بازار افغانستان در مسیر جنوب شرق به شمال شرق؛ دشت‌ده صوغان، میناب، حاجی‌آباد، کیش و سیراف در مسیر حاشیه‌ی دریای عمان و خلیج فارس؛ سیرجان، قصابونصر، مرودشت، پاسارگاد، حوضه‌ی رود گر فارس، سی‌سخت، بویراحمد و شوش در مسیر جنوب شرق به مرکز خلافت اسلامی.

همچنین به دلیل ارتباط دریایی میان نرماشیر و مناطقی مانند: المتاف، کوش و الهولیه در رأس الخیمه امارات، مُسندَم عمان، شرمه حضرموت یمن، قلعه بحرین، بصره، سامرا و رقه، گونه‌های سفال دشت نرماشیر و نواحی فوق شباهت‌های زیادی دارند (جدول ۲).
ب) گاهنگاری نسبی: برپایه‌ی گاهنگاری نسبی و مقایسه‌ای، برخی از قطعات سفال دشت نرماشیر متعلق به ادوار ساسانی و صدراسلام هستند؛ اما بیشترین تعداد نمونه‌ها به سده‌های میانی اسلامی تعلق دارند. از دوران صفوی، نمونه‌های سفال کمی در این محوطه‌ها به دست آمده و از گونه‌های سفال پس از صفوی، نمونه‌ی شاخصی شناسایی نشده است (جدول ۲).

ج) اوج و فرود حیات در دشت نرماشیر: نرماشیر در سده‌ی سوم ه.ق. از شهرهای اصلی کرمان (یعقوبی، ۱۳۸۱: ۵۰)، در سده‌ی چهارم ه.ق.، از منازل میان‌راهی کرمان در مسیر سیستان (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۳۰۷)، شهری بزرگ، پرجمعیت، با کاخ‌های زیبا، مسجد جامع و مناره‌ای بی‌مانند در میان بازار (مقدسی، ۱۳۸۵: ۶۸۱) و از پایگاه‌های دیلمیان در کرمان بود (ابن اثیر، ۱۳۵۱: ۲۰۱؛ ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۴۷۵). گاهنگاری نسبی سفال‌ها نشان می‌دهد گونه‌های سفال گلابه‌ای، زرین فام با خمیره‌ی رُسی (زرین فام اولیه)، نقش افزوده یا کنده‌ی زیر لعاب تک‌رنگ با خمیره‌ی رُسی از همین زمان در دشت نرماشیر رایج شده‌اند.

در سده‌ی پنجم ه.ق. نبرد میان امیرمسعود غزنوی و نمایندگان حاکم نرماشیر و امیربغداد در نرماشیر درگرفت (بیهقی، ۱۳۸۹: ۵۵۶)؛ پس از آن، نرماشیر و کل کرمان به دست ملک قاوورد سلجوقی افتاد (رحیم‌لو و سالاری شادی، ۱۳۸۶: ۱۲۴). حکومت سلاجقه‌ی کرمان شکوفایی نواحی کرمان را در پی داشت؛ بنابراین یکی از ادوار درخشان در تاریخ نرماشیر، سده‌ی پنجم و اوایل سده‌ی ششم ه.ق. بود. در این دوره نیز نمونه‌های قابل توجهی از گونه‌های سفال قالب‌زده بی‌لعاب، گلابه‌ای، نقش‌کنده‌ی زیرلعاب تک‌رنگ و اسگرافیتو در دشت نرماشیر مورد استفاده بوده است.

پس از قاوورد، غزها در سال ۵۷۶ ه.ق. به بم، نسا و نرماشیر حمله و آنجا را ویران کردند (خبیصی، ۱۳۴۳: ۲۴)؛ اما پس از ویرانگری غزان، به دستور ملک دینار در اواخر سده‌ی ششم ه.ق. عماراتی در نرماشیر ساخته (همان: ۱۳۳) و کشت‌ورز در روستاها آغاز شد (همان: ۱۳۷). در دوره‌ی قراختاییان (اوایل سده‌ی هفتم تا اوایل سده‌ی هشتم ه.ق.) آرامش نسبی بر کل کرمان و از جمله نرماشیر حاکم شد (رحیم‌لو و سالاری شادی، ۱۳۸۶: ۱۲۴). از این بازه‌ی زمانی نمونه‌های پرشماری از سفال قالبی بی‌لعاب، نقاشی زیرلعاب، منقوش بی‌لعاب (شبه پیش‌ازتاریخی)، اسگرافیتو و نقش‌کنده‌ی زیرلعاب تک‌رنگ در دشت نرماشیر شناسایی شد.

اما منابع سده‌ی ۸ تا ۱۰ ه.ق. اطلاعاتی از نرماشیر به دست نمی‌دهند؛ زیرا تاریخ‌نگاری کرمان در این بازه‌ی زمانی، دچار رکود شد (درباره‌ی رکود تاریخ‌نگاری کرمان ر.ک. به: رحیم‌لو و سالاری شادی، ۱۳۸۶: ۱۲۵). در حالی که قطعات فراوانی از گونه‌ی سفال نقاشی زیرلعاب در دشت نرماشیر شناسایی شده که نشانگر تداوم سکونت‌ها در شهر و دشت نرماشیر تا پایان دوره‌ی تیموری است؛ همچنین قطعاتی از گونه‌ی نقاشی زیرلعاب با رنگ آبی و سیاه بر زمینه‌ی سفید با خمیره‌ی ظریف رُسی و گونه‌ی شاخص آبی‌وسفید،

نشانگر حیات این شهر تا دوره‌ی صفوی است. اما حجم اندک این نمونه‌ها، احتمالاً حاکی از کاهش جمعیت در این دوره است؛ پس از آن، افغان‌ها به نرماشیر تاختند و آنچه پس از غزان آباد شده بود، به دست افغان‌ها نابود شد» (مستوفی، ۱۳۴۸: ۹۳).

در اغلب منابع صفوی تا قاجار، به جای «شهر نرماشیر» به «ناحیه‌ی نرماشیر» اشاره شده است. در تکمله‌ی کتاب تاریخ نگارستان، در شرح رویدادهای ۱۲۰۹ هـ.ق. و پناه بردن لطف‌علی خان زند به حاکم نرماشیر (غفاری کاشانی، ۱۴۰۴: ۴۴۲)، نامی از «شهر» نرماشیر نیامده و احتمالاً منظور از «حاکم نرماشیر»، حاکم «ناحیه‌ی» نرماشیر بوده است. شیروانی در ۱۲۴۷ تا ۱۲۴۸ هـ.ق.، نرماشیر را از بلوکات کرمان با بیست روستا معرفی کرده (شیروانی، ۱۳۸۹: ۶۰۳) و نامی از «شهر» نبرده است؛ بنابراین احتمالاً در دوره او نیز نرماشیر تنها شامل چند روستا بود.

در شرح حمله‌ی نوروزخان قاجار به محمدخان افغان، به «قلعه نرماشیر» اشاره شده است (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۱۹). با توجه به متن شیروانی در همین زمان، احتمالاً منظور از «قلعه» نه حصار «شهر»، بلکه یکی از قلاع اربابی دشت نرماشیر بوده است؛ زیرا در بررسی شهر قدیم نرماشیر، آثاری از دوره‌ی قاجار یافت نشد؛ در حالی که قلاع قاجاری رفیع‌آباد و قلعه شهید در نواحی دیگر دشت شناسایی شد (سقای و امیرحاجلو، ۱۳۹۵: ۱۱، ۱۸، ۲۱). همچنین در ۱۲۸۸ هـ.ق.، راه کرمان به بلوچستان با نام «راه نرماشیر» معرفی شده (وزیری، ۱۳۸۶: ۳)، اما در بیان منازل راه، نامی از «شهر» نرماشیر نیامده است. اعتمادالسلطنه نیز واژه‌ی «شهر» را برای نرماشیر به کار نبرده و آن را بلوکی از بیم با بیست روستا و مزارع رعیت نشین معرفی کرده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۴۷۲)؛ بنابراین برپایه‌ی منابع صفوی تا قاجار، دشت نرماشیر در این دوران به عنوان ناحیه‌ای با تعدادی روستا شناخته می‌شده و رونق گذشته را نداشته است. مطالعه‌ی سفال دشت نرماشیر نیز این موضوع را تأیید می‌کنند؛ زیرا گونه‌های سفال شاخص سده‌ی ۱۱ تا ۱۴ هـ.ق. در نرماشیر بسیار کم شمارند.

د) شواهد تولید سفال در دشت نرماشیر: سفال تولیدی در هر محوطه‌ی تاریخی به دو دسته‌ی «تولید محلی - سبک محلی» و «تولید محلی - سبک تقلیدی» تقسیم می‌شود؛ اگرچه آزمایش‌های تجزیه‌ی عنصری، دقیق‌ترین روش برای شناسایی تولیدات محلی هستند، اما تا زمانی که امکان این آزمایش‌های فراهم نباشد، تبیین «تولید محلی» سفال تنها با بررسی شواهدی مانند: سه پایه، جوش کوره، قطعات سفال تغییر شکل یافته (دفرمه شده)، قالب‌های منفی یا شواهدی از کوره‌های سفال امکان‌پذیر است. مطالعه‌ی مواد فرهنگی دشت نرماشیر نشان می‌دهد اغلب نمونه‌های سفال تولیدی در نرماشیر از نوع «تولید محلی - سبک تقلیدی» هستند؛ یعنی، اگرچه در نرماشیر تولید شده‌اند، اما نقش و طرح آن‌ها تقلیدی ضعیف از نمونه‌های سفال فاخر نواحی دیگر است. در حالی که برخی نمونه‌ها از نوع «تولید محلی - سبک محلی» هستند؛ بدین معنا که در کارگاه‌های نرماشیر تولید شده و از سبک منحصر به فرد و محلی در طراحی نقوش برخوردارند. پراکندگی شواهدی از قالب‌های منفی منقوش، سه پایه و قطعات سفال با پخت زیاد و لعاب سوخته (تصویر ۶) یا تغییر شکل یافته و جوش کوره در شهر قدیم نرماشیر،

جلال‌آباد و تپه کارتن نشانگر فعالیت‌های مرتبط با تولید سفال در این سه محوطه است. همچنین وجود نمونه‌های سفال با پخت ناکافی و قطعات تغییر شکل یافته در هر هفت محوطه‌ی دوران اسلامی دشت نرماشیر، حاکی از تولید این نمونه‌ها در خود دشت نرماشیر، جابه‌جایی محدود در دشت و استفاده محلی از آن‌هاست. با توجه به پراکندگی شواهد سفالگری در جنوب غربی شهر قدیم نرماشیر، می‌توان این بخش از شهر را به‌عنوان منطقه‌ی صنعتی معرفی کرد؛ اگرچه در بررسی محوطه‌ی جلال‌آباد، بخش یا منطقه‌ی صنعتی شناسایی نشد، اما با توجه به شناسایی بیش از ۱۰ قطعه قالب منفی سفال، می‌توان این محوطه را یکی از مراکز تولید سفال قالب‌زده در سده‌های پنجم تا هفتم هجری قمری دانست. در تپه کارتن نیز با توجه به توزیع بیش از ۹۰ درصدی سفال‌های قالب‌زده و وجود قالب‌های منفی ساخت سفال، فعالیت‌های مرتبط با تولید سفال قالب‌زده صورت می‌گرفته است. براساس سیمای ظاهری تپه کارتن که بر اثر تخریب بنایی چهارضلعی پدید آمده است، به نظر می‌رسد کل این بنا به‌عنوان کارگاه تولید سفال مورد استفاده بوده و در پیرامون آن، استقرار مسکونی وجود نداشته است. در میان نمونه‌های سفال دشت نرماشیر، قطعات تغییر شکل یافته یا نمونه‌هایی که دچار سوختگی در خمیره یا لعاب شده‌اند، اغلب شامل گونه‌های: ساده‌ی بی‌لعاب، بی‌لعاب با نقش کنده، قالب‌زده بی‌لعاب، لعابدار تک‌رنگ و نقش‌کنده‌ی زیرلعاب تک‌رنگ هستند (تصویر ۶)؛ بنابراین، این قطعات به‌عنوان ضایعات یا تولیدات درجه‌ی دو، اصلی‌ترین گونه‌های سفال محلی در دشت نرماشیر هستند. همچنین، با توجه به کیفیت پایین نقش به‌نظر می‌رسد برخی نمونه‌های گلابه‌ای و نقاشی زیرلعاب یک تقلید ضعیف از سفال‌های فاخر هستند و احتمال محلی بودن آن‌ها زیاد است. تبیین سبک محلی نیز در سفالگری نرماشیر با بررسی نقش برخی از نمونه‌ها امکان‌پذیر است. بررسی نمونه‌های نقاشی زیرلعاب، گلابه‌ای، اسگرافیتو و آبی‌وسفید در دشت نرماشیر نشان می‌دهد، اگرچه برخی از این گونه‌ها احتمالاً تولید محلی نرماشیر هستند، اما براساس شباهت میان نقوش آن‌ها با نمونه‌های مناطق دیگر به دلیل تقلیدی بودن، نمی‌توان آن‌ها را دارای یک سبک محلی دانست. تنها گونه‌ی مستثنی از این قاعده، برخی از قطعات سفال قالب‌زده بی‌لعاب در نرماشیر است که سبک خاص محلی در طرح و نقش آن‌ها وجود دارد و این نقوش، در قالب‌های منفی گردآوری شده از محوطه‌های نرماشیر نیز دیده می‌شود (تصویر ۶). چنان‌که نقش قالب‌های منفی دشت نرماشیر را نقوش: دوایر متحدالمركز، ستاره، لوزی، اسپیرال‌های کوتاه و نقشی شبیه به خوشه‌ی گندم تشکیل می‌دهد و در نمونه‌های نواحی همجوار از جمله جیرفت، چنین نقوشی کمتر به‌کار رفته است؛ بنابراین نمونه‌های سفال قالب‌زده با چنین نقوشی در شهر قدیم نرماشیر، جلال‌آباد و تپه کارتن تولید می‌شده و دارای سبکی محلی هستند. در حالی که نمونه‌های سفال قالب‌زده‌ی بی‌لعاب با نقش: خیاره‌ای، کتیبه‌ی کوفی یا ثلث، اسپیرال‌های ممتد، گل‌های شش و هشت‌پر که در محوطه‌های دشت نرماشیر به‌دست آمده‌اند، احتمالاً از مراکز دیگری مانند حوزه‌ی فرهنگی هلیل‌رود به دشت نرماشیر وارد شده‌اند.



▲ تصویر ۶. شواهد تولید سفال در دشت نرماشیر (نگارندگان، ۱۳۹۷).

نتیجه‌گیری

بر پایه‌ی نتایج، در دوران اسلامی چهار گونه‌ی سفال: بی‌لعب ساده، بی‌لعب و منقوش، لعابدار تک‌رنگ و لعابدار چندرنگ، در دشت نرماشیر رایج بوده است. گونه‌ی بی‌لعب و منقوش شامل گونه‌های فرعی: نقش‌کنده، نقش‌افزوده، قالب‌زده، مَه‌ری، نقاشی‌شبه پیش‌ازتاریخی و تلفیق نقش‌کنده و قالبی است. گونه‌ی سفال لعابدار تک‌رنگ نیز به دو گونه‌ی فرعی ساده و منقوش تقسیم می‌شود که گونه‌ی منقوش شامل: نقش‌کنده‌ی زیرلعب، نقش‌افزوده‌ی زیرلعب، نقش قالب‌زده‌ی زیرلعب و نقش مَه‌ری زیرلعب است. متنوع‌ترین گونه‌ی سفال دوران اسلامی در دشت نرماشیر گونه‌ی سفال لعابدار چندرنگ است که به انواع سفال: گلابه‌ای، لعاب پاشیده، اسگرافیتو، نقاشی زیرلعب، نقاشی روی لعاب، زرین‌فام اولیه و آبی‌وسفید تقسیم می‌شود.

شباهت میان این گونه‌ها با نمونه‌های سفال نواحی دیگر، نشانگر وجود ارتباطات فرهنگی گسترده‌ای است. مهم‌ترین عامل شکل‌گیری این پیوندها، موقعیت نرماشیر در مسیر شاهراه مرکز فلات ایران به سیستان، هرمز، دریای عمان و هندوستان است که در پژوهش‌های امروزی با نام «جاده‌ی ادویه» معرفی شده است؛ همچنین قرارگیری نرماشیر در مسیر ارتباطی جنوب شرق ایران به مراکز خلافت اسلامی (مکه، مدینه، سامرا و بغداد) و عبور کاروان حاجیان سیستان از نرماشیر سبب شکل‌گیری برهم‌کنش‌های فرهنگی میان نرماشیر و شهرهای دیگر شده است. بر این اساس، نمونه‌های سفال نرماشیر با نمونه‌های جیرفت، غبیرا، اصفهان و ری در مسیر جنوب شرق به مرکز ایران؛ نمونه‌های بلقیس اسفراین، نیشابور و لشکری بازار افغانستان در مسیر جنوب شرق به شمال شرق؛ نمونه‌های دشت‌ده صوغان، میناب، حاجی‌آباد، کیش، سیراف در مسیر سواحل خلیج فارس؛ و نمونه‌های سیرجان، قصرابونصر، مرو دشت، پاسارگاد، حوضه‌ی رود کُرفارس، سی‌سخت، بویراحمد و شوش در مسیر جنوب شرقی به جنوب غربی ایران؛ مشابهت دارد. همچنین وجود شبکه راه‌های بازرگانی دریایی سبب شکل‌گیری ارتباطات میان نرماشیر و نواحی جنوبی و جنوب غربی خلیج فارس شده است. بر این اساس، شباهت‌هایی میان نمونه‌های سفال دوران اسلامی دشت نرماشیر با برخی از نمونه‌های سفال: المتاف، کوش و الهولیله در رأس الخیمه‌ی امارات، مُسندَم عمان، شرمه حضرموت یمن، قلعه بحرین، بصره و در ادامه با نمونه‌های سامرا و رَقَه وجود دارد.

گاهنگاری مقایسه‌ای و نسبی نمونه‌های سفال نرماشیر، بیانگر آغاز حیات شهر نرماشیر از دوره‌ی ساسانی و رونق و اوج آن در دوره‌ی سلاجقه‌ی کرمان و قراختاییان است؛ پس از آن، حیات شهر نرماشیر و محوطه‌های پیرامونش تا دوره‌ی تیموری تداوم داشته و در دوره‌ی صفوی با کاهش جمعیت روبه‌رو شده است. پس از عصر صفوی، تنها تعدادی روستا در این دشت باقی مانده‌اند.

همچنین، برخی نمونه‌های: ساده‌ی بی‌لعب، بی‌لعب با نقش‌کنده، قالب‌زده بی‌لعب و لعابدار تک‌رنگ، محصول کارگاه‌های نرماشیر هستند. برخی از نمونه‌های گلابه‌ای و نقاشی زیرلعب نیز احتمالاً در خود نرماشیر و به تقلید از نمونه‌های جهان اسلام ساخته شده‌اند. در این میان، نقوش برخی از نمونه‌های قالب‌زده‌ی بی‌لعب، تفاوت‌هایی با نقوش سفال قالب‌زده‌ی نواحی دیگر دارد؛ بنابراین، می‌توان گفت

برخلاف سایر گونه‌های سفال تولیدی در نماشیر که مشابهت‌های زیادی با سفال نواحی دیگر دارند. برخی نمونه‌های سفال قالب‌زده علاوه بر آن که «تولید محلی» هستند، دارای نقوشی به «سبک محلی» است.

پی‌نوشت

۱. بررسی میدانی نگارندگان در دشت نماشیر به منظور تدوین پرونده‌ی ثبتی برای آثار دشت نماشیر پیرو قرارداد شماره‌ی ۹۳۲/۱۳۷/۲۷۳۶ با اداره کل میراث فرهنگی استان کرمان در سال ۱۳۹۳ از محل اعتبارات استانی صورت گرفته است.
۲. این محوطه در گویش محلی، «چغوک‌آباد» خوانده می‌شود و شامل: ارگ شاه‌نشین، برج کامرانیه، زیارتگاه ملاسراج‌الدین، دروازه‌ی شرقی، باروی جنوبی و ویرانه‌های بخش مسکونی است.

کتابنامه

- ابن‌اثیر، عزالدین علی، ۱۳۵۱، تاریخ کامل. جلد پانزدهم، ترجمه‌ی علی هاشمی حائری، تهران: چاپ و انتشارات کتب ایران.
- ابن‌حوقل، محمدبن حوقل، ۱۹۳۸، صورة‌الارض. جلد دوم، بیروت: دارصادر.
- ابن‌خلدون، ۱۳۶۳؟ العبر؛ تاریخ ابن‌خلدون. جلد ۳، ترجمه‌ی عبدالمحمد آیتی، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، مرآت‌البلدان. جلد اول. به تحقیق: هاشم محدث و عبدالحسین نوایی، تهران: دانشگاه تهران.
- امیرانی‌پور، محجوبه، ۱۳۹۵، «بررسی باستان‌شناختی سفال دوران اسلامی نماشیر با تکیه بر شهر قدیم نماشیر». پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه جیرفت: دانشکده علوم انسانی.
- امیرحاجلو، سعید، ۱۳۹۱، «بررسی باستان‌شناختی مراکز سکونت‌داری دوران سلجوقی تا صفوی در حاشیه شمالی دشت اصفهان». رساله‌ی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- امیرحاجلو، سعید، ۱۳۹۳، «گزارش گمانه‌زنی به منظور تعیین عرصه و پیشنهاد حریم شهر قدیم نماشیر (محوطه‌ی چغوک‌آباد) استان کرمان». آرشئو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان (منتشر نشده).
- بنی‌اسدی، علیرضا، ۱۳۹۰، ویژگی‌های استان کرمان از دیدگاه تقسیمات کشوری و جمعیتی. دفتر آمار و اطلاعات معاونت برنامه‌ریزی استانداری کرمان.
- بیهقی، ابوالفضل محمدبن حسین، ۱۳۸۹، تاریخ بیهقی. چاپ دوم. تصحیح: علی‌اکبر فیاض. تهران: علم.
- چوبک، حمیده، ۱۳۹۱، «سفالینه‌های دوران اسلامی شهر کهن جیرفت». مجله‌ی مطالعات باستان‌شناسی، سال ۱، شماره‌ی ۴، صص: ۸۳-۱۱۲.
- خاوری شیرازی، فضل‌الله بن عبدالنبی، ۱۳۸۰، تاریخ ذوالقرنین. جلد اول. به تحقیق: ناصر افشارفر. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خبیصی، محمدابراهیم، ۱۳۴۳، سلجوقیان و غز در کرمان. تصحیح: محمدابراهیم باستانی‌پاریزی. تهران: طهوری.
- خدادوست، جواد؛ موسوی‌حاجی، سیدرسول؛ تقوی، عابد؛ و علی‌یاری‌گوکی، شهین، ۱۳۹۶، «بررسی و مطالعه تحلیلی سفالینه‌های محوطه مالین؛ شهرستان باخزر (خراسان

- رضوی). پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره ۷، شماره ۱۳، صص: ۱۵۷-۱۷۲.
- رحیم‌لو، یوسف؛ علی سالاری شادی ۱۳۸۶. «سیر تاریخ‌نگاری محلی در ایالت کرمان». دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۵۸ (۲): ۱۳۸-۱۲۳.
- زارع، شهرام، ۱۳۸۷، «گزارش فصل دوم بررسی باستان‌شناختی شهرستان بزم». جلد اول و دوم، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان (منتشر نشده).
- زارعی، محمدابراهیم؛ حمید عامریان؛ و نیک‌گفتار، احمد، ۱۳۹۵، «طبقه‌بندی گونه سفالینه‌های لعاب دار قرن ۲ تا ۴ ه.ق. کشف شده از شهر تاریخی بلقیس (اسفراین کهن)». مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۸، شماره ۱، صص: ۵۷-۷۶.
- سقایی، سارا؛ امیرحاجلو، سعید؛ و مقبلی قرایی، فریده، ۱۳۹۷، «علل گسترش و تخریب شهر کهن نرماشیر؛ بر پایه‌ی نظریه‌ی بوم‌شناسی کنت وات». باغ‌نظر، ۱۵ (۶۷)، صص: ۵۳-۷۰.
- سقایی، سارا؛ امیرحاجلو، سعید، ۱۳۹۵، «منظر تاریخی و فرهنگی نرماشیر کرمان در دوران اسلامی». مطالعات باستان‌شناسی دوران اسلامی، شماره ۱، صص: ۳۶-۷.
- شهسوار، میثم؛ و طیبی، سیدمحمد، ۱۳۹۳، «سیری در پژوهش‌های باستان‌شناسی استان کرمان». مطالعات ایرانی، شماره ۲۶، صص: ۱۱۸-۸۹.
- شیروانی، زین‌العابدین، ۱۳۸۹، «بستان‌السیاحه یا سیاحت‌نامه. تصحیح: منیژه محمودی. تهران: حقیقت.
- صدیقیان، حسین؛ و غلامی، حسین، ۱۳۹۱، «سفال اسلامی منقوش بدون لعاب (شبه پیش‌ازتاریخ)». پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، شماره ۶-۷، صص: ۱۴۲-۱۳۴.
- عطایی، مرتضی؛ موسوی حاجی، سیدرسول؛ و کولابادی، راحله، ۱۳۹۱، «سفال منقوش گلابه‌ای (انواع، گستردگی، تاریخ‌گذاری)». نگره، شماره ۲۳، صص: ۸۷-۷۱.
- غفاری کاشانی، احمدبن محمد، ۱۴۰۴. تاریخ نگارستان. تصحیح: مرتضی مدرس گیلانی، تهران: حافظ.
- فشارکی، پریدخت، ۱۳۵۷، «پراکندگی جغرافیایی محصولات کشاورزی در واحه‌های بزم و نرماشیر (آبادی‌های حوضه‌ی آبگیر لوت جنوبی)». پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۱۶، صص: ۱-۱۸.
- گاراژیان، عمران؛ و رحمتی، مسعود، ۱۳۹۱، «دوره اول تل آتشی، فرهنگ نوسنگی پیش از سفال و معماری آن در چشم‌انداز جنوب شرق ایران». پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، دوره ۲، شماره ۱، صص: ۱۴۸-۱۱۱.
- محمدی، مریم؛ و شعبانی، محمد، ۱۳۹۵، «معرفی و تحلیل سفال‌های دوران اسلامی محوطه زینوآباد بهار همدان». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره ۶، شماره ۱۱، صص: ۱۳۵-۱۵۰.
- مستوفی، احمد، ۱۳۴۸، «نرماشیر». پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۱، صص: ۹۵-۹۰.
- مقبلی قرایی، فریده، ۱۳۹۴، «بررسی روشمند باستان‌شناسی محوطه‌ها و آثار دوران اسلامی شهرستان نرماشیر کرمان». پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه جیرفت: دانشکده علوم انسانی.
- مقبلی قرایی، فریده؛ امیرحاجلو، سعید؛ و سقایی، سارا، ۱۳۹۴، «مطالعه و بررسی

معماری قلعه جمالی نرماشیر در استان کرمان». دومین همایش ملی باستان‌شناسی ایران، دانشگاه بیرجند.

- مقبلی قرایی، فریده؛ امیرحاجلو، سعید؛ و سقایی، سارا، ۱۳۹۶، «مطالعه و تحلیل باستان‌شناختی استحکامات نظامی - دفاعی دوران اسلامی در دشت نرماشیر کرمان». مطالعات تاریخ فرهنگی، انجمن ایرانی تاریخ (زیرچاپ).

- مقبلی قرایی، فریده؛ و امیرحاجلو، سعید، ۱۳۹۶، «پژوهش و تحلیل شاخصه‌های معماری و تزیین، کارکرد و تاریخ‌گذاری قلعه رفیع‌آباد نرماشیر در استان کرمان». سومین همایش ملی باستان‌شناسی ایران، دانشگاه بیرجند، صص: ۴۶۸-۴۵۴.

- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد، ۱۳۸۵، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم. ترجمه‌ی علینقی منزوی، تهران: کومش، چاپ دوم.

- ویتکم، دونالد، ۱۳۸۲، «سفال‌های پیش‌ازتاریخی دروغین از جنوب ایران». باستان‌پژوهی، ترجمه محسن زیدی، شماره‌ی ۱۱، صص: ۸۴-۹۵.

- همتی‌ازندریانی، اسماعیل؛ خاکسار، علی؛ و شعبانی، محمد، ۱۳۹۶، «بررسی و تحلیل سفال‌های دوره اسلامی مجموعه معماری دست‌کند زیرزمینی سامن ملایر». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره‌ی ۱۳، صص: ۱۸۹-۲۰۶.

- یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب، ۱۳۸۱، البلدان. چاپ چهارم، ترجمه‌ی محمدابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی.

- Kennet, D., 2004, *Sasanian and Islamic Pottery from Ras al-Khaimah (eBook version): Classification, Chronology and Analysis of Trade in the Western Indian Ocean*, Oxford: Archaeopress. Society for Arabian Studies Monographs, 1.

- LeBaron B., Richard; W. F. Albright; Frederick R. Matson; Florence E. Day, 1950. "The Early Arabian Necropolis of Ain Jawan: A Pre-Islamic and Early Islamic Site on the Persian Gulf", *Bulletin of the American Schools of Oriental Research*, (7/9): 1-70.

- Petersen, A., 2008, "The Archaeology of Islam in Britain: Recognition and Potential", *Antiquity* (82): 1080-1092.

- Priestman, Seth M. N., 2005. "Settlement and Ceramics in Southern Iran: An Analysis of the Sasanian and Islamic Periods in the Williamson Collection", Ph.D. Theses, Durham University. Available at Durham

- E-Theses Online: <http://etheses.dur.ac.uk/2745/>

- Priestman, Seth M. N., 2013, "A Quantitative Archaeological Analysis of Ceramic Exchange in the Persian Gulf and Western Indian Ocean", Ph.D. Thesis, University of Southampton.

- Treptow, T., 2007. *Daily Life Ornamented; the Medieval Persian City of Rayy*, Chicago, The Oriental Institute Museum of the University of Chicago.

- Whitcomb, Donald S., 1985, *Before the Roses and Nightingales; Excavations at Qasr-I Abu Nasr, Old Shiraz*, New York: the Metropolitan Museum of Art.

- Whitehouse, D., 1979, *Islamic Glazed Pottery in Iraq and the Persian Gulf: the Ninth and Tenth Centuries*, Annali Deli Istituto Orientale di Napoli, 39.

- Wilkinson, Charles K. 1973. *Nishapur: Pottery of the Early Islamic Period*, Metropolitan Museum of Art.